

Content Analysis of Epitaphs in Iran Based on Eight Written Sources

Asghar Esmacili*

Abstract

Epitaphs hold significant sociological value for examining public attitudes toward death. Apart from various rituals held in societies for death, it is a common practice almost all over the world to compose poems and prose on epitaphs. In the current study, library research was used to collect 770 epitaphs from eight relevant sources in different regions of Iran and analyze their content. The content of epitaphs in Iran was scrutinized. The findings reveal that Iranian epitaphs predominantly feature the following elements: appeal to the Holy Prophet (PBUH) and the infallible Imams (PBUH), with particular emphasis on Imam Hussein (PBUH); detailing the occupation of the deceased, both explicitly and through description of its characteristics; the deceased's social status, subtly conveyed through verses, hadiths, and quotations; personal attributes of the deceased, such as age, gender, virtuous character, and nobility; references to the kind and location of death, including death during pilgrimages, martyrdom, and the belief in the evil eye; time of death, often intertwined with appeal to the innocent (PBUH) and aspirations for the deceased to attain heaven. Prayers are also often integrated into epitaphs, expressing benevolence through for the deceased, pilgrims visiting the grave, and grieving friends; death has been portrayed as a transition rather than annihilation through statements announcing the passing; and the selection of Qur'anic surahs and verses for tomb inscriptions, with a focus on their eschatological significance, virtues, and properties. Regarding the typology of epitaphs, Persian verses, Quranic verses, and Arabic phrases exhibited the highest frequency, followed by Persian sentences, expressions, hadiths, and verses. In summary, these epitaphs underscore the profound influence of Quranic, Islamic, and Persian poetic traditions, serving as a crucial thematic element.

Keywords: Iran's Epitaphs, Content Analysis, Iranian Culture, Persian Poetry

* Assistant Professor in Persian Literature, Faculty of Encyclopedia Research, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.
Iranesmaeili@iecf.ir

How to cite article:

Esmacili, A. (2025). Content Analysis of Epitaphs in Iran Based on Eight Written Sources. *Journal of Ritual Culture and Literature*, 3(2), 89-112. doi: 10.22077/jerl.2025.7552.1124



Copyright: © 2022 by the authors. *Journal of Ritual Culture and Literature*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

تحلیل محتوای گورنبشته‌های ایران بر پایه هشت اثر مکتوب

اصغر اسمعیلی *

چکیده

گورنبشته‌ها یکی از مهم‌ترین اسناد برای بررسی جامعه‌شناسی نگرش عامه به مرگ محسوب می‌شوند. در کنار آیین‌های متنوعی که برای مرگ در جوامع مختلف برگزار می‌شود، نوشتن اشعار یا متون منشور بر روی سنگ قبرها تقریباً در سراسر جهان مرسوم است. در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای به گردآوری ۷۷۰ گورنبشته از هشت منبع مربوط به مناطق مختلف ایران پرداخته، محتوای آنها بررسی و تحلیل شد. یافته‌ها نشان می‌دهند عمده محتوای گورنبشته‌ها در ایران عبارت‌اند از: توسل به پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) و در صدر آنها توسل به امام حسین (ع) و شفاعت‌خواهی از آنان، شغل متوفی که به دو صورت مستقیم یا ذکر متعلقات شغل بیان شده است، جایگاه اجتماعی او که در آیات، احادیث و القاب مستتر شده است، ویژگی‌های شخصی متوفی (جوانی، جنسیت، خلق نیک، سیادت)، نحوه و مکان مرگ (مرگ در راه سفرهای زیارتی، شهادت و تأثیر چشم بد)، زمان مرگ (در قالب ماده تاریخ و توسل به معصومین (ع) و آرزوی بهشت برای متوفی). عامه با کتابت دعا بر گورنبشته‌ها، برای متوفی، زائران قبر و یاران سوگ، خیرخواهی کرده‌اند و با جملات اعلان وفات، مرگ را نه فنا، بلکه انتقال دانسته‌اند و در انتخاب سور و آیات قرآنی برای مقابر، به کارکردهای آخرت‌شناختی و فضایل و خواص آیات و سور توجه کرده‌اند. از نظر سنخ‌شناسی گورنبشته‌ها، ابیات فارسی، آیه‌های قرآن و جملات عربی بیشترین بسامد را داشتند و جملات فارسی، عبارات و احادیث و ابیات در مرتبه بعدی قرار می‌گیرند. در مجموع، می‌توان انعکاس فرهنگ قرآنی و اسلامی و شعر فارسی را در این گورنبشته‌ها از مهم‌ترین خصیصه‌های محتوایی آنها دانست.

کلیدواژه‌ها: گورنبشته‌های ایران، تحلیل محتوا، فرهنگ اسلامی، شعر فارسی.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، پژوهشکده دانشنامه‌نگاری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران a.esmaeili@ihcs.ac.ir

۱. مقدمه

مرگ یکی از سه برهه اصلی گاه‌شمار وجودی انسان‌هاست؛ همراه با آیین‌های مختلفی که در جوامع مختلف بر تولد و ازدواج آنان حاکم است، مرگ نیز آداب و رسوم و خصایص ویژه‌ای دارد. برخی از این آداب و رسوم جنبه جهانی دارند و بعضی دیگر، مخصوص جامعه و ملتی خاص هستند. یکی از این زیرآیین‌های مربوط به سوگ، نوشتن سنگ قبر است که می‌توان از آن به مثابه آیینی جهانی یاد کرد و تقریباً می‌توان گفت در بیشتر جوامع، سنگ‌نوشته‌ها و تصاویری بر گورها دیده می‌شود که نشان‌دهنده معتقدات، نگرش به مرگ، برخی نکات اجتماعی و تاریخی و حتی در مواردی دیدگاه‌های خاص در هر یک از این موارد است.

کتیبه بر گور، در اصل یک یا چند مصراع شعر بود که بر سنگ مزار حک می‌شد، اما این اصطلاح گاه به یک منظومه یا بخشی از آن اطلاق می‌شد که بیانگر احترام یا جسارت به مردگان بود (رضایی، ۱۳۸۲: ۹۸)؛ در تعریفی دیگر گورنیشته به نوشته‌هایی اطلاق شده که بر سنگ قبر مردگان حک می‌شود. گورنیشته‌ها برخی ویژگی‌های اجتماعی، شخصیتی و جنسیت متوفی را در بردارند و مضامینی چون بیان تلخی مرگ، حقیقت آن، تأسف از مرگ عزیزان و بی‌اعتباری دنیا دارند (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۲۸۳).

از گذشته بر سنگ گور افراد عناصری مانند نام، پانام، شغل، تاریخ مرگ، اشعار فارسی و عربی و نقش و تصویرهایی بود که به وضع زندگی و دیگر ویژگی‌های متوفی اشاره می‌کرد و ممکن است فرد شعر یا قطعه‌نثری را برای قبر خود بسراید یا بنویسد و امکان داشت بازماندگان یا حتی سنگ‌تراشان اشعاری را بنویسند یا پیشنهاد دهند. چنانکه شخصی چنین سروده:

بر سنگ مزارم بنویسید پس از مرگ فریاد ز محرومی دیدار دگر هیچ

(اسلام‌پناه، ۱۳۹۲: ۱۳۳)

از منظر جهانی نیز در ادبیات یونان، کتیبه بر گورهای زیادی وجود دارد که مضامین متنوعی دارند و از جمله آنها سروده‌های سیمونیدس درباره کشتگان جنگ ترموپیل تا ابیاتی درباره سگ‌ها و دیگر حیوانات دست‌آموز را در بر می‌گیرد.

سنگ‌نوشته اسکپیو افریکانوس بزرگ، سردار رومی، قابل توجه است: «کردار اسکپیو را نه هموطن تواند پاداش دهد و نه بیگانه» (رضایی، ۱۳۸۲: ۹۸ و ۹۹).

در زبان عربی، گاه از آن با عنوان «ادب المقابر» یاد کرده‌اند؛ چنانکه قیس العطار کتابی با همین عنوان منتشر کرده است.^۲

هانری ماسه درباره تاریخچه کتیبه‌های فارسی می‌گوید:

قدیمی‌ترین کتیبه‌های فارسی در بناهای ایران، از سده هشتم هجری به بعد بوده‌اند» و نمونه کتیبه سنگ‌قبری را متعلق به محرم سال ۷۵۹ معرفی می‌کند که متعلق به شخصی به نام ابوسعید، از نسل هفتم ابوسعید ابوالخیر بوده و در میهنه سرخس دفن

شده و در قبرستان اردوباد به دست آمده است. متن این کتیبه چنین است: «الله بسمه الله هذا قبر شيخ الاسلام مرشد الانام قدوه المشايخ المحققين تاج الدنيا والدين على الميثم شيخ ابوسعیدی و كان من البطن السبع من اولاد الشيخ ابوسعید ابوالخیر...» (۱۳۸۷: ۲۰۵۱).

با وجود این نظر ماسه، از منظر تاریخی، گورنشته‌هایی از دوره‌های قدیم‌تر، به دست آمده و خوانده شده است. این کتیبه‌های سنگ مزارها، مربوط به اواخر دوران ساسانی هستند و در اقلیم کازرون یافته شده‌اند (نصراله‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۲). در کتاب کتیبه‌های پهلوی کازرون، ۱۴ کتیبه از این دست معرفی شده است؛ همچنین بدیع‌الله کوثر کتیبه‌های ساسانی و هخامنشی را در کتاب سنگ‌نشته‌ها سخن می‌گویند ضبط کرده است.

البته در ادبیات کهن فارسی نیز اشاراتی درباره سنت گورنویسی وجود دارد؛ از جمله سعدی در گلستان می‌آورد: «یکی را از بزرگان ائمه پسری وفات یافت. پرسیدند که بر صندوق گورش چه نویسیم؟ گفت: آیات کتاب مجید را عزت و شرف، بیش از آن است که روا باشد بر چنین جای‌ها نبشتن که به روزگار سوده گردد و خلایق بر او گذرند» (سعدی، ۱۳۷۱: ۲۳۶) و محاجه پسر توانگرزاده با درویش‌بچه که به صندوق تربت پدرش که سنگین بود و کتابه رنگین و فرش رخام آن فخر می‌فروخت (همان: ۲۴۰)؛ همچنین در گلستان آمده:

نشته است بر گور بهرام گور که دست کرم به که بازوی زور
(سعدی، ۱۳۷۱: ۱۲۸)

و دبیرسیاقی از آثار عجم (ص ۴۸۵) نقل می‌کند که بر گور شاه داعی شیرازی این بیت نوشته شده بود:

چو باد خاک تو خواهد به هر طرف بردن مهل که از تو نشیند به خاطری گردی
(دبیرسیاقی، ۱۳۳۹: ۳۷)

سنت سرودن شعر برای سنگ قبر در میان شاعران و ادیبان معاصر مانند ایرج میرزا، پروین اعتصامی، رهی معیری، غلامرضا رشید یاسمی، سهراب سپهری، عبدالحسین زرین‌کوب و میرزاده عشقی رایج بوده است.

از آنجاکه بررسی گورنشته‌ها دیدگاه عامه را نسبت به موضوع مرگ روشن می‌کند، ضرورت این پژوهش پاسخ به این پرسش‌هاست که عامه چه نگاهی به مرگ داشته‌اند؟ آیا تسلیم مرگ شده‌اند؟ آیا از آن شکوه کرده‌اند؟ ساختار گورنشته‌ها چگونه است؟ اعتقادات دینی آنان چگونه و در چه قالب‌هایی در گورنشته‌ها نمود پیدا کرده است؟ ارتباط گورنشته‌ها با شعر شاعران مشهور چگونه است؟ شغل و جایگاه اجتماعی متوفی در قبرنشته‌ها چگونه انعکاس یافته است؟ نحوه، مکان و زمان مرگ متوفی چگونه در این اسناد تاریخی نمود یافته است؟ عمده‌ترین مضامین گورنشته‌ها کدام‌اند؟ وجود اطلاعات پراکنده در آثار مختلف ایجاب می‌کند که ضمن گردآوری آنها، نکات

پاسخ‌گوی پرسش‌های فوق نیز از آنها استخراج و تحلیل شود و هدف پژوهش نیز همین است.

از آنجا که گورنبشته‌های ایران در مجموعه جامع و کاملی گردآوری نشده، در این پژوهش برای گردآوری و تحلیل گورنبشته‌ها، از آثار مختلفی استفاده شد که آنها را به دو دسته تقسیم می‌کنیم: ۱. کتبی که گورنبشته‌های قدما را در بردارد که شامل آثار زیر است: یادگارهای یزد (ج ۱ و ۲)؛ از آستارا تا استارباد (ج ۱-۴)؛ سنگ‌نوشته‌ها و کتیبه‌های کرمان؛ دایره‌المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی: بناهای آرامگاهی. این آثار محدوده تاریخی قرن هفتم تا چهاردهم قمری را دربرمی‌گیرند.

۲. آثاری که قبرنوشته‌های معاصران را در خود جای داده‌اند: از خاک تا افلاک؛ سطری بر سنگی.

بسامد گورنبشته‌ها در این آثار مطابق جدول ۱ است.

جدول ۱. بسامد گورنبشته‌ها در منابع مکتوب

گورنبشته‌ها	بسامد گورنبشته‌ها	منبع
گورنبشته‌های کرمان	۱۰۶	اسلام‌پناه (۱۳۹۲)
گورنبشته‌های یزد	۱۲۵	افشار (۱۳۷۴)
دایره‌المعارف بناهای تاریخی	۱۷	عقاب‌ی (۱۳۷۴)
گیلان و مازندران	۴۴	ستوده (۱۳۷۴)
سطری بر سنگی	۲۶۶	باوند سوادکوهی (۱۳۹۲)
از خاک تا افلاک	۲۰۰	شهابی و دیگران (۱۳۸۴)
اقلیم پارس	۳	مصطفوی (۱۳۷۵)
آثار تاریخی کاشان و نطنز	۹	نراقی (۱۳۷۴)
جمع	۷۷۰	

از چند تکنگاری دیگر مانند/یلخچی از غلامحسین ساعدی، اورازان و تات‌نشین‌های بلوک زهرا از جلال آل احمد و فشن‌دک از پورکریم استفاده شد، اما از آنجا که تعداد گورنبشته‌های آنها بسیار کم بود در جدول فوق نیامده است. داده‌ها پس از گردآوری با روش تحلیل محتوا دسته‌بندی شدند و بسامد هر کدام

از آنها ذکر شد.

۱-۲. پیشینه پژوهش

تاکنون کتاب یا مقاله مستقلی در موضوع تحلیل گورنبشته‌ها منتشر نشده است؛ اما دو دسته آثار را می‌توان در این موضوع برشمرد که عبارت‌اند از:

۱. آثاری که فقط حاوی مزارنوشته‌ها هستند و تحلیل و توضیحی ندارند:

سطری بر سنگی (باوند سوادکوهی، ۱۳۹۲)، از خاک تا افلاک (شهابی و دیگران، ۱۳۸۴)، دایره‌المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی: بناهای آرامگاهی (عقابی، ۱۳۷۴)، یادگارهای یزد (افشار، ۱۳۷۴)، از آستارا تا استارباد (ستوده، ۱۳۷۴)، کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌های کرمان (اسلام پناه، ۱۳۹۲).

مقاله‌های تحلیلی که به بررسی گورنبشته‌ها و تحلیل آیات قرآنی منقوش بر قبور پرداخته‌اند:

حسینی (۱۳۸۹) در مقاله «مضامین عرفانی کتیبه‌های مقبره شیخ صفی»، صادقی توران‌پشتی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «تحلیلی بر مقوله انتخاب آیات در مزارنوشته‌های توران‌پشت، یادمانی با داده‌های تاریخی و فرهنگی»، قلی فامیان و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیل محتوای گورنبشته‌های شهر تبریز»، ایرج افشار (۱۳۷۴) در مقاله «سنگ قبر برادر مؤلف کشف‌الاسرار»، هاشم حسینی (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی مضامین عرفانی کتیبه‌های مقبره شیخ صفی (با تکیه بر صفوه الصفا و دیگر متون عرفانی)» و سیروس نصراله‌زاده (۱۳۹۳) در مقاله «پهلویات کتیبه‌ای: کتیبه سنگ مزار حاجی‌آباد استخر (نقش رستم ۱) و بازخوانی کتیبه تنگ جلو (سمیرم ۱)»

۲. بحث و بررسی

قالب‌های بیان محتوای گورنبشته‌ها متنوع است و شامل آیات قرآن، احادیث، جملات فارسی، جملات عربی، ابیات فارسی، ابیات عربی و عبارات قصار هستند. طبق بررسی‌های انجام‌شده، عمده‌ترین محتوای گورنبشته‌ها در ده دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از:

۱-۲. توسل به معصومین (ع)

یکی از درون‌مایه‌های اصلی گورنبشته‌ها، توسل به معصومین (ع) است. این توسل‌ها معمولاً از زبان متوفی هستند. بسامد توسل به معصومین (ع) در جدول ۱ آمده که در صدر آنها توسل به امام حسین (ع) قرار دارد. نمونه‌های این توسل‌ها، در ادامه آورده می‌شود:

- توسل به امام حسین (ع):

وقتی که مرا به خاک بردند احباب	آمد ملکی ز جانب حق به شتاب
گفتا که به دل مهر که آوردی	گفتم که حسین گفت آسوده بخواب

(باوند سوادکوهی، ۱۳۹۲: ۶۲)

برفت از جهان خواجه آقا علی	روان رو به گلزار جنت نهاد
----------------------------	---------------------------

چو خلق حسن داشت تاریخ او حسین شهیدش به او یار باد
(افشار، ۱۳۷۴: ۳۵۴)

- توسّل به امام علی(ع)
هر آن کس که ساقیش حیدر بود چه پرواش از روز محشر بود
(اسلام‌پناه، ۱۳۹۲: ۱۷۲)

ای عزیزان من دگر از دار دنیا می‌روم یا علی‌گویان سوی درگاه مولا می‌روم
(باوند سوادکوهی، ۱۳۹۲: ۶۳؛ فرزین، ۱۳۸۴: ۱۲۳)
روزی که برآریم سر از خاک ندامت دست من و دامن تو یا شاه ولایت
(افشار، ج ۲، ۱۳۷۴: ۳۲۰؛ آل احمد، ۱۳۸۹: ۱۰۶؛ شکورزاده، ۱۳۴۶: ۱۹۰)
البته گاه اندیشه‌های خاص مذهبی نیز در سنگ گورهای برخی مناطق دیده
می‌شود؛ برای نمونه در بعضی قبرنوشته‌های ایلخچی که از آبادی‌های اهل حق
است، اعتقاد اهالی به حضرت علی(ع) مشهود است:
نوشته قبر نسا خانم متوفی ۱۳۳۳:

بر لوح دلم نقش علی گشته منقش حاشا که رسد بر بدنم شعله آتش
(ساعدی، ۱۳۴۲: ۱۲۸)

- توسّل به پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع)
برگو خدایا به سید سرور به حق شاه شهیدان ولایت وصی پیغمبر
به حق خیرالنسا به حق خلق حسن به حق شاه شهیدان
به حق باقر و صادق به موسی و به علی بن موسی جعفر
به حق آن تقی متقی و نور تقی به عسکری و به مهدی هادی و رهبر
(اسلام‌پناه، ۱۳۹۲: ۱۱۷)

- توسّل به حضرت زهرا(س)
یارب تو دلم به ذکر خود گویا کن چشمم به جمال خویشتن بینا کن
در حشر چو سر برآرم از خاک لحد رویم به سوی فاطمه زهرا کن
(همان: ۱۱۵ و ۱۱۹)

- توسّل به امام رضا(ع)
چون که بُد بنده امام رضا جای او گشت جنت المأوی
لب او را نشسته دایه ز شیر داد شهد شهادتش تقدیر
(افشار، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۴۵)

- توسّل به حضرت معصومه (س)

سنگ قبر فتحعلی شاه

خاقانم و یک جهان گناه آوردم در حضرت معصومه پناه آوردم
(تناولی، ۱۳۸۸: ۱۱۱)

جدول ۲. بسامد توسّل به معصومین (ع)

امام حسین (ع)	علی (ع)	پیامبر (ص)	امام رضا (ع)	سایر امامان	زهرا (س)	معصومه (س)	جمع
۳۲	۱۴	۳	۲	هر کدام ۱ مورد	۱	۱	۵۲

۲-۲. شغل

در بعضی از متون، شغل و جایگاه اجتماعی متوفی بر روی سنگ قبر به صورت نوشته بیان شده یا ابزار کار آنها نشان داده شده است (نک: نقوش و تصاویر این مقاله)؛ چنانکه برخی سنگ قبرهای تصویری، شغل فرد متوفی را نشان می‌دهند. مثلاً در سنگ قبرهایی که در موزه جلفای اصفهان نگهداری می‌شوند و تصویر آنها در کتاب سنگ قبر تناولی آمده مشاغلی چون خراط، بنا، آهنگر، نانوا، ساعت‌ساز، رنگرز، سرمه‌دوز و چکمه‌دوز و ابزار کار آنها دیده می‌شود (تناولی، ۹۴ و ۹۵).

کتیرایی درباره ارتباط سنگ‌گور و شغل متوفی می‌آورد: «بر سنگ گور سپاهی یا پهلوان، نقش شیری می‌کنند و چند بیت مناسب حال هم در شکم شیر یا بالا و پایین سنگ‌گور می‌نگارند... در اصفهان روی سنگ گور زنی روبنده‌باف، نقش ابزار کارش کنده‌کاری شده است» (کتیرایی، ۱۳۷۸: ۴۴۹). در نوشته‌های شاعران دیگر ملل نیز این ویژگی دیده می‌شود. غاده السمان، شاعر و نویسنده عرب سروده:

آنگاه که می‌میرم / نامم را بر سنگ گورم ننویسید / اما داستان عشق مرا بنویسید / و بنگارید... اینجا آرامگاه زنی است / که به برگی عاشق بود / و درون دواتی غرق شد / و مُرد.. (ناشناس، ۱۳۸۰: ۵).

البته این مسئله در قبرنوشته‌ها نیز دیده می‌شود و در بیشتر موارد یا فقط عنوان شغل را ضمن بیت شعری بازگو می‌کند یا فقط واژه‌ای از لوازم و متعلقات آن شغل را می‌آورد و اطلاع بیشتری به دست نمی‌دهد؛ برخی مشاغل خاص مانند بهله‌دوز و سرنقاره‌چی را بیان می‌کند که امروزه از بین رفته‌اند.

نمونه گورنشته‌هایی از قدما:

- صائب تبریزی (شاعر)

محو کی از صفحه دل‌ها شود آثار من من همان ذوقم که می‌یابند از آثار من
(اسلام‌پناه، ۱۳۹۲: ۸۴)

- قاسم بهله‌دوز
برفت از جهان قاسم بهله‌دوز که دست اجل خاک او داد باد
(افشار، ۱۳۷۴: ۳۲۰)

عبدالحمید خطاط
چو در دهر از او یادگاری نماند به جز خط خوبش بر اهل دید
خرد سال فوتش به جز این نیافت خطی ماند باقی ز عبدالحمید
(اسلام‌پناه، ۱۳۹۲: ۵۵)
- میرزا اسدالله شاه قلی سرنقاره‌چی که ضمن ذکر شغل، تاریخ وفاتش شهر رمضان
۱۰۰۶، شعر معروف زیر از سعدی را نوشته‌اند:

تفرج‌کنان در هوا و هوس گذشتیم برخاک بسیار کس
(اسلام‌پناه، ۱۳۹۲: ۸۰)
مقبره طاهر نقاش در بقعه سلطان‌بخش (متوفی ۱۰۹۱)
نقاش که بود در همه فن ماهر چون او به سخن کسی نیامد ماهر
برداشت چون دل ز دهر گفتم باقی نقاش به وادی بقا شد طاهر
بهر تاریخ وفاتش عقل گفت حیف حاجی طاهر از دنیا برفت
(نراقی، ۱۳۷۴: ۱۱۶)

استاد اکبر بنا (متوفی ۱۲۴۱ق) کرمان
بنای روزگار ز ابنای روزگار چون او کسی نیافته بنای روزگار
استاد اکبر آنکه از او زیر کار شد چو گنبد مینای روزگار
بنای دهر رفت چه ناگاه از جهان پر ناله شد به ماتم او نای روزگار

قآنی درباره حاجی سید محمدباقر قمصری نقاش که تزئینات برخی مساجد و اماکن
کاشان و همچنین نقاشی‌های توحیدخانه آستان قدس از او بوده، سروده است:
چو بود طاق و رواق تو از نقوش معری چو از طراز هیولی - جمال هستی مطلق
به سعی باقر شاپور کلک مانی خامه که شکل پیل کشد نوک خامه تیزش
(نراقی، ۱۳۷۴: ۲۷۰)

و از گورنیشته‌های معاصران نیز می‌توان به این موارد اشاره کرد:
- نوذر پرنگ (ترانه‌سرا)

من از دریای ترانه آمده بودم به بازدید سرود زمانه آمده بودم
مرا شناخته بودند شاعران اساطیر که از قدیم عتیق فسانه آمده بودم
(باوند سوادکوهی، ۱۳۹۲: ۱۳۹)

- پرویز یاحقی (موسیقی دان)
اگرچه حادثه بی‌گاه و بس غم‌انگیز است ز مرگ عارف آزاده را چه پرهیز است
کجاست معجزه نشأت‌آور سازش که از تلاوت آیات عشق لبریز است
خدای هم که به جان‌ها یقین بدان که ز گذرگاه پرویز است
(همان: ۱۴۰)

- علی محمد کاردان (استاد دانشگاه)
شد آموزگاری از آن پیشه‌ام که بهبود خلق هست اندیشه‌ام
(همان)

منوچهر نوذری (طنزپرداز رادیو)
ز حق توفیق خدمت خواستم دل گفت چه توفیقی از این بهتر که خلقی را
(همان: ۱۴۱)

بسامد مشاغل منقوش بر قبور در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. مشاغل و چگونگی بیان آنها در گورنبشته‌ها

ردیف	بیان مستقیم نام شغل	اشاره به متعلقات شغل
۱	بهرله‌دوز	آثار: شاعر
۲	سرنقاره چی	خط خوب: خطاط
۳	گوهری	نقش، کلک مانی، خامه: نقاش
۴	نقاش	ترانه، سرود: ترانه‌سرا
۵	بنا	ساز، سرود: موسیقی دان
۶	آموزگار	خندان: طنزپرداز
جمع	۶	۶

۲-۳. موقعیت اجتماعی

گاه آیات و احادیث مندرج بر سنگ قبور دال بر شغل متوفی و جایگاه علمی متناسب با او هستند؛ توران‌پشتی و همکاران انتخاب برخی آیات را برای سنگ گور، به موقعیت اجتماعی فرد متوفی نسبت می‌دهند (۱۳۹۶: ۸۰). توران‌پشتی بر این باور است گورهای منقوش به آیات سوره فصلت (۳۰-۳۲) و سوره یونس (۶۲-۶۴) که واژه «اولیا» در آن آیات به کاررفته، نشان از صوفی بودن متوفی دارد؛ از نظر او صوفیان از میان واژه‌های قرآنی به «ولی / اولیا» و «عبد، عباد» علاقه ویژه‌ای داشتند (توران‌پشتی، ۱۳۹۶: ۷۵). طبق بررسی‌های انجام شده، بر سنگ قبوری که آیات و احادیث زیر مندرج است و واژه‌های «عالم»، «علما» و «علم» دارد و محتوای آیه و حدیث درباره عالمان و فضل عالم بر عابد است، «عالم بودن» صاحب قبر را مشخص می‌کند:

«إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (قرآن، مجادله: ۱۱)

«أَلَا أَنْ أُولِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاتِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (قرآن، یونس: ۶۲-۶۴) «فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ عَلَى سَائِرِ الْكَوَاكِبِ، صَدَقَ اللَّهُ وَ صَدَقَ رَسُولُهُ» (افشار، ۱۳۷۴: ج ۱: ۲۱۷).

قال سيد العرب و العجم محمد عليه الصلوة و السلام: «عُلَمَاءُ أُمَّتِي كَأَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (همان).

حتی لقب‌هایی مانند عالی‌جناب، سیادت پناه، رفعت دستگاه (افشار، ج ۲، ۱۳۷۴: ۳۰۸)؛ عصمت‌مآب، خلاصه مخدرات، مهد عفت و طهارت، فخرالملله و الدین، سعادت دستگاه، زعیم سلیمان، اکیلل دانش و ملاذ الفقها جایگاه اجتماعی متوفی را در سیادت، عصمت، عفت، طهارت، علم و ولایت نشان می‌دهند.

۲-۴. ذکر نحوه و مکان مرگ

قید نحوه و چگونگی مرگ بر روی برخی از سنگ قبور دیده می‌شود. این خصیصه اکنون در برخی از مناطق جهان نیز مرسوم است؛ به عنوان نمونه در برخی سنگ‌نیشته‌های قبور در آمریکای شمالی این جملات دیده می‌شود: مرگ بر اثر رعد و برق، مرگ درحالی که مشغول شخم‌زدن کشتزار ذرت بود، در جریان کندن چاه کشته شد یا در هنگام انجام وظیفه برق‌رسانی، جان خود را از دست داد (راثی، ۱۳۸۷: ۱۶۲).

در قبرنوشته‌های بررسی‌شده، علل مرگ عبارت‌اند از:

- مرگ در راه سفر کربلا: سنگ قبر مورخ ۱۰۳۳ ق. از آن ملک حسین بن ملک احمد بناکوکی که در راه کربلا به تاریخ ۱۰۳۳ مرحوم شده بود (افشار، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۵۴).
- وفات در راه مکه: قبری در قمصر: به تاریخ شهر شوال سنه ۱۰۳۲ الشَّابَّ الْمَعْرُ خواجه میرزا محمود بن حاجی محمدعلی آرانی در عنفوان جوانی که متوجه

زیارت بیت الله گشت، مرغ روحش به ریاض رضوان پرواز کرد... (همان: ۴۰۵).
 - شهادت با سنان (سرنیزه): سنگ قبر میرزا علی کیا (۹۱۲ق).: هذا المشهد...الکریم
 السخی المقبول المقتول بالسنان (ستوده، ۱۳۷۴: ۳۴۸ و ۳۴۹)
 کارگر شدن چشم بد که اعتقاد عامه به مرگ از این راه را نشان می دهد: علت
 وفات علی اکبرخان را (که جوان مرگ شده) در ۱۲۵۳ ق. کارگر شدن چشم بد در
 وی سروده و بر سنگ مزارش نقر کرده اند:

هژبر بیشه یزدان علی اکبرخان دوستدار حضرت خیرالانام
 چون ز صید آهوانی بازگشت با دو صد ذوق و شغف او شادکام
 چشم بد در کار وی شد کارگر منخسف گشت از این دار مقام
 اوّل شب بود صحیح البدن گشت بدل صبح امیدش به شام
 (اسلام پناه، ۱۳۹۲: ۹۶)

- غرق شدن در آب:
 شاهرخ بی مثال نیک خصال آن بلند اختر حمید خصال
 در هزار و دویست از هجرت غرق گردید او به آب زلال
 (ستوده، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۶۷)

جدول ۴. ذکر نحوه و مکان مرگ بر گورنشته ها

ردیف	علت مرگ	بسامد
۱	مرگ در راه سفر مکه	۳
۲	مرگ در راه کربلا	۱
۳	شهادت	۳
۴	کارگر شدن چشم بد	۱
۵	غرق شدن در آب	۱

۲-۵. یادکرد صفات و نیکی های متوفی و برخی ویژگی های شخصی وی

- خوش خلقی
 رفت عبدالوهاب از این عالم آن حمیده خصال پاک سرشت
 صدر جنت بساخت منزل خویش زانکه او تخم نیکویی می کشت
 (اسلام پناه، ۱۳۹۲: ۱۲۹)

- بخشندگی و دین متوفی (زردشتی)
در این مصیبت اگر خون رود ز دیده
به بخشش حاتم طائی کَفَش چو ابر بهار
همیشه پیرو دین بهی به دار همت
عجب مدار اگر سنگ نالد او به زبان
به علم همچو ارسطو
به کار خیر محوّل چه آشکار چه نهان
(اسلام‌پناه، ۱۳۹۲: ۸۹)

سید بودن متوفی
آنکه در حشر شفیع است تو را
جدّت ای سید عالی‌نسب است
(افشار، ۱۳۷۴: ج ۱، ۱۹۰)

- جنسیت
ساعدی در تکنگاری ایلخچی، شعری به زبان ترکی را آورده که نشان می‌دهد
متوفی مؤنث بوده است:
بیر پری پیکر ملک صورت-لینین دور بو گور نه‌جه خاک ایله یکسان ایله
(ساعدی، ۱۳۴۲: ۱۲۷)
ترجمه: این قبر پری‌پیکری ملک‌صورت است؛ بین که چگونه روزگار وی را با خاک
یکسان کرده است.

- جوان بودن متوفی
بر جوانی او جهان بگریست بر قدش سرو بوستان بگریست
زندگانی به ماتمش بنشست مرگ بر مرگ آن جوان بگریست
(افشار، ج ۱: ۱۷۱ و ۱۷۲)

جدول ۵. ویژگی‌های شخصی متوفیان

جوان بودن متوفی	خوش خلقی	سیادت	جنسیت	دین
۳	۱	۲	۱	۱

۲-۶. تاریخ وفات و ماده تاریخ

ماده‌تاریخ برای سنگ‌قبرها از مهم‌ترین اجزای آنهاست. ۳۹ مورد ماده‌تاریخ در گورنیشته‌های کرمان و یزد و گیلان دیده می‌شود که بررسی آنها نشان می‌دهد که ضمن بیان ماده تاریخ، عمده‌ترین مضامین آنها نیز در چهار محور زیر است:
اول: در گروه نخست عبارت‌هایی ماده تاریخ شده‌اند که آرزوی بهشت برای متوفی مضمون آنهاست؛ ماده‌تاریخ‌هایی مانند «بهشت برین»، «صالح که بود جان جهان رفت در جنان»، «قصر جنت»، «ماوی در بهشت»، «سرای بهشت»، «صدر بهشت»، «حوریان بهشتی»

«به جانب جنت رفت» از این دست است.
دوم: گروه دوم ماده تاریخ‌هایی هستند که با عبارات و جملاتی بیان شده‌اند که برای متوفی آرزوی شفاعت پیامبر(ص) و معصومان (ع) دارند؛ مانند:
«شد شفیعش حضرت خیرالانام»، «ای جلیس خدیجه کبری»، «بگو حشرش به اولاد علی باد»، «همنشین سید کونین شد»، «علی حامی وی شفیعش محمد»، «ولی اللهش هادی و مقتدا باد»، «گشته شد محشور صادق با نبی و آل او»، «حسین شهیدش به او یار باد»، «گشته مولای او علی بالله».

سوم: گروه سوم ماده تاریخ‌هایی که در اوصاف متوفی است؛ مانند:
گور نبشته میرزا ابوطالب متوفی ۱۱۷۱ق:

سروش غیب گفت از بهر تاریخ وفات او فتاد اکیلل دانش گشت علم و معرفت
(ستوده، ۱۳۷۴: ۱۵۳)

فقها را چو ملاذی به جز آن قدوه نبود بهر تاریخ نوشتند ملاذ الفقها
(نراقی، ۱۳۷۴: ۱۳۸)

چهارم: گاه تاریخ وفات به صورت مستقیم هم درج شده است:
رفت از جهان جناب فضایل مآب دهر عیسی صفت به چرخ چهارم ظهیر دین
بود از قضا به هفتم ذی حجه فوت او در هشتصد و سه و نود از هجر بهترین
(لباف خانیکی، ۱۳۶۹: ۹۶)

۲-۷. طنز

برخی شاعران، حتی مرگ را نیز به شوخی گرفته‌اند و بر آن نیز می‌خندند و آن را مایه خنده مردم قرار می‌دهند؛ نمونه در ادبیات جهان: من مارتین الین برود در اینجا آرمیده‌ام. خدایا روحم را غریق رحمت فرما چنانکه من اگر به جای تو بودم چنین می‌کردم (رضایی، ۱۳۸۲: ۹۹) یا مثلاً بر سنگ قبر خسرو شاهانی نوشته شده است: از ملک ادب حکم‌گزاران همه رفتند. علت مرگ: زندگی (باوند سوادکوهی، ۱۳۹۲: ۱۴۴)؛ بر قبر پرویز شاپور نوشته شده: قلم پرجمعیت‌ترین شهر دنیاست (همان: ۱۴۱)؛ یا پژمان بختیاری برای سنگ قبر خود سروده:

یک جهان قصه پرسوز اینجاست شاعر شوم و سیه‌روز اینجاست
قدری آهسته برو پژمان است که در این گور سیه پنهان است
تازه چندی است که خوابش برده است بگذارید بخوابد مرده است
(ناشناس، ۱۳۸۰: ۵).

۲-۸. دعا

دعا طلب خیر و نیکی و سلامت برای کسی است (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۳۹۴). بخش دیگری از محتوای گورنبشته‌ها دعاهایی هستند که بر گورها نقش بسته‌اند. این دعاها معمولاً از زبان تهیه‌کنندگان سنگ قبور و درباره سه گروه زیر و با مضامین متنوع هستند:

- دعا برای متوفی: طلب بخشایش و رحمت برای متوفی و والدینش؛ مانند: خدای تعالی بر وی رحمت کناد (افشار، ۱۳۷۴: ج ۱: ۱۷۵)؛ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِوَالِدَيْهِ وَ الْمُسْلِمِينَ (افشار، ۱۳۷۴: ۲/۲۷۹)؛ دعای طلب بهشت برای متوفی مانند: این دخمه را پورگ- پسر روشن آذر، برای روان خویش فرمود بسازند. او را بهشت برین بهر باد (نصراله‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۹۹) و اَسْكَنَهُ اللَّهُ فَرَادَيْسَ رِضْوَانِهِ وَ اَنْزَلَهُ بِجُحُوحِهِ جَنَّاتُهُ (افشار، ۱۳۷۴: ج ۱: ۲۱۶ و ۲۱۷)؛ طلب روشنایی و نورانیت قبر و پاکی و خنکی آرامگاه متوفی؛ مانند: بَرَدَ مَضْجَعَهَا وَ نَوَّرَ مَرْقَدَهَا (ستوده، ۱۳۷۴: ۳۵۱)، طَيِّبَ اللَّهُ ثَرَاكَ (اسلام‌پناه، ۱۳۹۲: ۱۱۳)؛ عذاب نشدن متوفی: اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ اَنْ لَا تُعَذِّبَ (افشار، ۱۳۷۴: ج ۱: ۱۷۵)؛ طلب رحمت برای متوفی که نویسنده (کاتب) سنگ قبر بوده: غریق رحمت باد کسی که کاتب را با الحمدي یاد کند. ۱۱۶۷ق (ستوده، ۱۳۷۴: ج ۲: ۱۳۹).

- دعا برای زائران قبر: طلب رحمت برای خواننده حمد و قل هو الله برای متوفی؛ مانند خدایش پیامرزاد که یک الحمد و سه بار قل هو الله از برای این تازه گذشته و جمله گذشتگان اهل ایمان بخواناد (افشار، ۱۳۷۴: ۱/۲۱۹ و ۲۲۰)؛ خدایش پیامرزاد که بدو بگوید که خدایش پیامرزاد (افشار، ۱۳۷۴: ج ۱: ۳۲۰).
- دعا برای یاران سوگ: عاقبت یاران سوگ خیر باد (لباف خانیکی، ۱۳۶۹: ۱۰۱).
دعاها هم به زبان عربی (۱۶ مورد) و هم به فارسی (۱۷ مورد) هستند. در جدول ۶ بسامد این دعاها آمده است:

جدول ۶. محتوای دعاها و بسامد آنها در گورنیشته‌ها

برای متوفی			برای زائران قبر			برای یاران سوگ		
ردیف	محتوای دعا	بسامد	ردیف	محتوای دعا	بسامد	ردیف	محتوای دعا	بسامد

۹-۲. اعلان وفات

از دیگر مضامین گورنیشته‌ها، جملات دالّ بر وفات هستند. این جمله‌ها بیشتر جنبه خبری و اظهاری دارند و به نوعی اعلان مرگ هستند. در برخی از آنها مرگ را نوعی «کوچ» و انتقال از سرای غرور به راحت و سرور و بهشت می‌دانند؛ مانند: سید العارفین امیرعلی قوام الدین... چون از این دار غرور به سرای راحت و سرور انتقال فرمود (افشار، ۱۳۷۴: ج ۲: ۳۳۳)؛ التَّربَةُ ... الصَّالِحَةُ الْمُرْتَحِلَةُ مِنَ الدَّارِ الْغُرُورِ إِلَى الدَّارِ السُّرُورِ الْمُتَّصِلَةِ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى رَحِيمٍ (ستوده، ۱۳۷۴: ۳۵۱)؛ از جهان چون شد سوی دارالسلام (افشار، ۱۳۷۴: ج ۲: ۱۵۳)؛ در برخی از جملات نیز مرگ را بازگشت به جوار الهی دانسته‌اند: مضی الی جوار الله (افشار، ۱۳۷۴: ج ۲: ۳۰۲). اگر از منظر استعاره مفهومی به این جملات نگاه کنیم، مرگ نوعی کوچ و انتقال تلقی شده است؛ به عبارت دیگر مرگ عامل گذر از یک مرحله وجودی به مرحله دیگر است و با مرگ، حقیقت وجودی انسان (روح) نابود نمی‌شود، بلکه از یک مرحله به مرحله دیگر یا از کالبدی به کالبد دیگر منتقل می‌شود (شعبانلو، ۱۳۹۹: ۱۲۵).

از ۱۱ جمله اعلان مرگ در این پژوهش، ۶ جمله عربی است و ۵ جمله فارسی و بسامد موضوعی آنها مطابق جدول زیر است:

جدول ۷. محتوای جملات اعلان وفات

ردیف	محتوای جمله	بسامد
۱	کوچ (رحلت) به نزد پروردگار مقتدر	۱
۲	کوچ (رحلت، ارتحال) به سرای جاوید	۱
۳	انتقال از خانه غرور به سرای راحت و سرور	۳
۴	از جهان به دارالسلام (بهشت) رفتن	۱
۵	کوچ (رحلت) از خانه دنیای فانی به خانه عقبای باقی	۱
۷	فرمان حق را یافتن	۱
۸	دعوت حق را اجابت گفتن	۲
۹	بازگشت به قلمرو الهی، حرکت به جوار الهی	۲
۱۰	پرواز مرغ روح به ریاض رضوان	۱

۱	وفات یافتن	۱۱
۱۱	جمع	

۱۰-۲. آیات قرآنی حک شده بر قبور

محتوای آیه‌های قرآنی را که بر سنگ قبور نقش بسته‌اند، می‌توان به سه دسته کارکردی تقسیم کرد:

۱۰-۱-۲. کارکرد آخرت‌شناختی

الف. قطعیت وقوع مرگ برای همگان و حقیقتی حتمی که در آیات زیر نمود یافته است: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (قرآن، الرحمن: ۲۵ و ۲۶) «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» (قرآن، عنکبوت: ۵۷) هر دو آیه فوق از امثال قرآن هستند (حکمت، ۱۳۳: ۶۹ و ۷۷) که در فارسی هم رایج‌اند. ب. توحید و شهادت به یگانگی باری تعالی:

«شهد الله انه لا اله الا هو و الملائكة و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم» (قرآن، آل عمران: ۱۸)

ج. یادکرد پاداش و نعمت‌های اخروی:

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ ابْشُرُوا بِالْجَنَّةِ» (قرآن، فصلت: ۳۰) (افشار، ۱۳۷۴: ج ۱: ۴۸). «يُشْرِهِمُ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوَانٍ وَ جَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ خَالِدِينَ فِيهَا» (قرآن، توبه: ۲۱) (افشار، ۱۳۷۴: ج ۱: ۱۷۴).

۱۰-۲-۲. فضایل و خواص برخی سوره و آیات برای اموات و زائران قبور.

صادقی توران‌پشتی (۱۳۹۶) یکی از کارکردهای آیات قرآنی منقوش بر قبور را فضایل و خواص آنها می‌داند.

الف. سوره یس: یس وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ. (یس، ۱-۴)

ب. آیت الکرسی: یکی از مواردی که آیت‌الکرسی بسیار در آن سفارش شده است، خواندن آن و هدیه کردن به روح اموات است. در حدیثی از امام باقر(ع) آمده است: هر کس آیت‌الکرسی را بخواند، خداوند هزار امر ناخوشایند دنیا و هزار امر ناخوشایند از آخرت را از او برطرف می‌کند که آسان‌ترین ناخوشایند دنیا فقر و آسان‌ترین ناخوشایند آخرت، عذاب قبر است (مجمع‌البیان، ص ۳۶۰ و ۳۶۱).

ج. سوره اخلاص: فضیلت سوره اخلاص آمرزش گناهان و درآمدن به بهشت است (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۶: ۴۱۱-۴۱۵).

۱۰-۳-۲. موقعیت اجتماعی فرد متوفی که در بخش دیگری از همین مقاله با همین

عنوان تشریح شد.

جدول ۸. بسامد آیات قرآنی منقوش بر قبور

ردیف	آیه	بسامد
۱	آیت الکرسی (بقره: ۲۵۵)	۸
۲	توبه، ۲۱	۷
۳	آل عمران، ۱۸	۶
۴	الرحمان، ۲۵-۲۶	۵
۵	فصلت، ۳۰	۴
۶	یس، ۱-۴	۱
۷	یونس، ۶۲-۶۴	۱
۸	طور، ۲۱	۱
۹	عنکبوت، ۵۷	۱
۱۰	مجادله، ۱۱	۱
۱۱	سوره اخلاص	۱
۱۲	حمد و سوره	۱
	جمع	۳۷

۳. نتیجه‌گیری

گورنیشته‌ها از مهم‌ترین اسناد فرهنگی ملت‌ها هستند و بررسی آنها زوایای تاریک فرهنگ و ادبیات هر ملت، به‌خصوص فرهنگ عامه آن ملت را روشن می‌سازد. در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای به گردآوری ۷۷۰ گورنیشته از هشت منبع مربوط به مناطق مختلف ایران پرداخته، محتوای آنها بررسی و تحلیل شد. یافته‌ها نشان می‌دهند به‌طور کلی عمده‌ترین محتوای گورنیشته‌ها، عبارت بودند از: ۱. توسل به پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) و شفاعت‌خواهی از آنان که در صدر آنها توسل به امام حسین (ع) دیده می‌شود. هویت اجتماعی فرد مانند شغل، یکی دیگر از مؤلفه‌هایی است که در گورنیشته‌ها وجود دارد که به دو صورت بیان مستقیم شغل یا ذکر متعلقات آن آمده است؛ عامه برای نشان دادن موقعیت اجتماعی فرد متوفی از ابزارهای غیرمستقیم مانند آیات و احادیث بهره گرفته‌اند و در برخی موارد موقعیت اجتماعی متوفی با استفاده از ماده تاریخ

و القاب منعکس شده است؛ بیان نحوه مرگ از دیگر محتواهای گورنوشته‌ها است که عمده آنها مرگ در راه سفرهای زیارتی، شهادت، کارگر شدن چشم بد و غرق شدن در آب از نمونه‌های آنهاست. درج تاریخ وفات با ماده تاریخ نیز مورد دیگری است که در آن با استفاده از مضامینی چون شفاعت و توسل به معصومین (ع) و آرزوی بهشت برای متوفی، تاریخ وفات اعلام شده است. بیان طنزآمیز حتی در برهه مرگ نیز به کار می‌آید تا نگاه متفاوتی را به مقوله مرگ به نمایش بگذارد. دعا نیز از دیگر مضامین گورنوشته‌هاست؛ این دعاها علاوه بر خیرخواهی برای متوفی، زائران قبور و یاران سوگ را هم در برمی‌گیرد. در جملات اعلان وفات، بیشتر مفهوم «انتقال از سرای فانی به سرای جاوید» طرح شده که فانی نشدن انسان پس از مرگ را می‌رساند و اینکه انسان با مرگ از سرای غرور به دار سرور منتقل می‌شود. آیات قرآنی منقوش بر قبور نیز با کارکردهای آخرت‌شناختی، فضایل و خاصیت‌هایی چون بخشش گناهان برای متوفی و زائران قبر را دربردارند و در مواردی جایگاه اجتماعی متوفی را نشان می‌دهند. در تحلیل کلی مضامین منعکس شده در گورنوشته‌ها می‌توان گفت فرهنگ اسلامی و ادبیات فارسی نقش عمده‌ای در آنها دارد.

پی‌نوشت

۱. ادب‌المقابر: قرآناً و ثنراً و شعراً: تألیف قیس العطار. قم: لسان‌الصدق، ۱۴۲۷.

کتابنامه

- آل احمد، جلال. (۱۳۴۹). *اورازان*. تهران: کتابخانه دانش.
- آل احمد، جلال. (۱۳۸۹). *تات نشین‌های بلوک زهرا*. قم: نشر ژاکان و پیر امید.
- احسانی طباطبایی، محمدعلی. (۱۳۴۰). *چنته درویش*. ج ۱. تهران: کتابفروشی دهخدا.
- اسلام پناه، محمدحسین. (۱۳۹۲). *کتیبه‌ها و سنگ نبشته‌های کرمان*. تهران: موقوفات دکتر افشار.
- افشار، ایرج. (۱۳۸۴). *گلگشت در وطن*. گردآوری بابک، بهرام، کوشیار و آرش افشار. تهران: نشر اختران.
- افشار، ایرج. (۱۳۷۴). *یادگارهای یزد*. ج ۱. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و خانه کتاب یزد.
- افشار، ایرج. (۱۳۷۴). *یادگارهای یزد*. ج ۲. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و خانه کتاب یزد.
- افشار، ایرج. (۱۳۷۴). «سنگ قبر برادر مؤلف کشف‌الاسرار». در *زبان اهل اشارت* (مجموعه مقالات درباره کشف‌الاسرار). یزد: مؤسسه انتشارات یزد.
- باوند سوادکوهی، احمد. (۱۳۹۲). *سطری بر سنگی* (نقد حال ماست). تهران: رسانش نوین.
- بدون مؤلف. (۱۳۸۰). «چند سروده برای سنگ مزار». پروین. ش ۱. صص ۵.
- پورکریم، هوشنگ. (۱۳۴۱). *فشندک، به ضمیمه جغرافیای طالقان* (محمدحسن صنیع‌الدوله). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- تناولی، پرویز. (۱۳۸۸). *سنگ قبر*. تهران: بن‌گاه.
- حسینی، هاشم. (۱۳۸۹). «بررسی مضامین عرفانی کتیبه‌های مقبره شیخ صفی (با تکیه بر صفوه الصفا و دیگر متون عرفانی)». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. ش ۱۹. صص ۷۸-۵۷.
- حکمت، علی اصغر. (۱۳۳۳). *امثال قرآن*. تهران: چاپخانه مجلس.
- دبیرسیاقی، محمد. (۱۳۳۹). «شاه داعی شیرازی»، ایران آباد. ش ۸. صص ۳۷.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۴). *زبان و ادبیات عامه ایران*. تهران: سمت.
- رضایی، عربعلی. (۱۳۸۲). *واژگان توصیفی ادبیات*. تهران: فرهنگ معاصر.
- ساعدی، غلامحسین. (۱۳۴۲). *یاخچجی*. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.

- ستوده، منوچهر. (۱۳۷۴). *از آستارا تا استارباد*، ج ۱ و ۲. تهران: انتشارات آگاه و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ستوده، منوچهر. (۱۳۷۴). *از آستارا تا استارباد*، ج ۴ و ۵. تهران: انتشارات آگاه و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۷۱). *گلستان*. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر. (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.
- شکورزاده، ابراهیم. (۱۳۴۶). *عقاید و رسوم عامه مردم خراسان*. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- شعبانلو، علیرضا. (۱۳۹۹). «بنیاد اسطوره‌ای استعاره مفهومی مرگ در مثنوی معنوی». پژوهش زبان و ادبیات فارسی. ش ۵۸. صص ۱۰۷-۱۳۳.
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین. (۱۳۶۷). «کتیبه‌های دوان کازرون»، آینده. ش ۴. صص ۶۳ و ۷۲.
- شهابی، مصطفی و دیگران. (۱۳۸۴). *از خاک تا افلاک: مجموعه اشعار اهل قبور با تفکیک موضوعی*. تهران: شیرزاد.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- عقابی، محمد مهدی. (۱۳۷۶). *دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی: بناهای آرامگاهی*. تهران: حوزه هنری، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- فرزین، علیرضا. (۱۳۸۴). *گورنگاره‌های لرستان*. تهران: پژوهشکده مردم‌شناسی و سازمان میراث فرهنگی.
- کتیرایی، محمود. (۱۳۷۸). *از خشت تا خشت*. تهران: ثالث.
- کرباسیان، ملیحه. (۱۳۸۶). «دروازه‌های زاد و مرگ» در *خرابیات مغان*. تهران: اطلاعات.
- لباف خانیکی، رجب‌علی. (۱۳۶۹). «سنگ افراشته‌های مزارات باخزر». اثر. ش ۱۸ و ۱۹. صص ۹۳-۱۱۲.
- ماسه، هانری. (۱۳۸۷). «کتیبه‌های فارسی» در *سیری در هنر ایران*. ج ۴. ترجمه محمدرضا ریاضی. تهران: علمی و فرهنگی.
- مصطفوی، سید محمد تقی. (۱۳۷۵). *اقلیم پارس*. تهران: نشر اشاره و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- نراقی، حسن. (۱۳۷۴). *آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز*. تهران: انجمن آثار و

مفاخر فرهنگی.

نصراله‌زاده، سیروس. (۱۳۹۳). «پهلویات کتیبه‌ای: کتیبه سنگ مزار حاجی‌آباد استخر (نقش رستم ۱) و بازخوانی کتیبه تنگ جلو (سمیرم ۱)». *زبان‌شناخت*. ش ۲. صص ۱۹۷-۲۱۱

نصراله‌زاده، سیروس. (۱۳۸۵). *کتیبه‌های پهلوی کازرون*. تهران: کازرونیه..





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی